

قلبی هرزه و بی ادب!

دل‌های آدمی مخزن حب الهی است، دلی را که هر روز به چیزی غیر خدا تعلق پیدا کند، قلبی هرزه و بی‌ادب است. انسان باید تمام ابعاد وجودی‌اش؛ یعنی عقل، قلب، نفس، اعضا و جوارحش را ادب کند. این موضوع در روایات هم آمده است. امیرالمومنین علیه‌السلام می‌فرماید: **زَكَ قَلْبُكَ بِالْأَدَبِ كَمَا يُذَكِّي النَّارُ بِالْحَطَبِ**؛ کار دل، دلبستگی است. می‌گویند: این ظرف که مظروفش باید حب الهی باشد، اگر حب غیر خدا در آن جایگزین شود، بی‌ادب است. آنچه که متناسب با آن ظرف بود و باید در آن راه، که مورد رضای الهی بود، مصرف می‌شد، این بود که حب خدا در این ظرف می‌آمد و جایگزین می‌شد نه حب غیر خدا. ... لذا در معارف ما، در باب سلامت قلب و بیماری قلب، که کدام دل سالم است و کدام دل بیمار، معیار حب به خدا است. دلی که به دنیا تعلق گرفته باشد، یعنی در آن دل، حب به دنیا رسوخ کرده باشد و دلبسته به دنیا شده باشد، این قلب مریض است. گفتم: بی‌ادب است، در بیماری‌اش هم می‌گوییم: این بی‌ادب، بیمار است.

[نصایح اخلاقی حضرت آیه‌الله حاج آقا مجتبی تهرانی (ره)، برداشت از سایت شیخ حسین انصاریان]

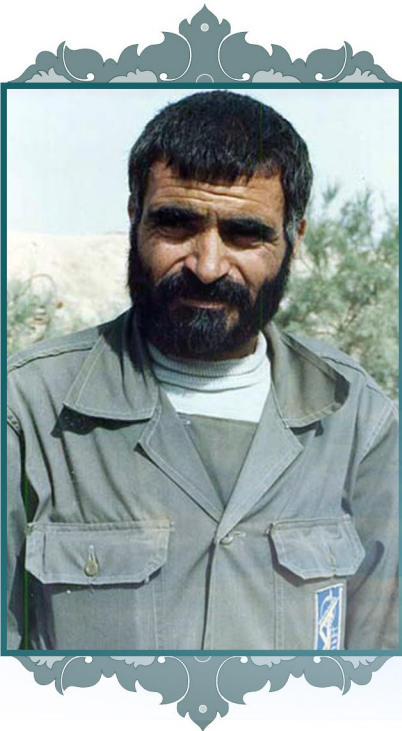
رزاق خداست!

رزق، مقدر و مقسوم است و رزاق خداست. رزقمان هنر ما نیست و حرص و تقلای ما آن را زیاد نخواهد کرد... خداوند امور دنیای بندگان را خود متکفل و متعهد گردیده و (متقابلاً) از آنها پرداختن به امور آخرت (شکر عطایای خدا) را خواسته است؛ اما بندگان به تلاش در تهیه ی دنیایشان پرداخته اند؛ گویا خداوند توانایی برآوردن نیازشان را ندارد، و از آخرت باز مانده اند و آن را به خدا محول کرده اند.

[حاج اسماعیل دولابی، مصباح الهدی، ص ۳۳]



اسمش رفت تو لیست شهدا!



جوان رشیدی بود و اسمش دادیرقال. موردش را نمی دانم، ولی می دانم از گردان اخراجش کرده بودند. یک نامه دستش داده بودند و داشت می رفت دفتر قضایی. همان جا توی محوطه، حاجی برونسی دیدش. از طرز رفتن و حالت چهره اش فهمید باید مشکلی داشته باشد. رفت طرفش. گفت: سلام. ایستاد. جوابش را داد. حاجی پرسید: چی شده جوون؟ آهسته گفت: هیچی، منو اخراج کردن، دارم می رم دفتر قضایی. حاجی نه برد و نه آورد، دستش را گرفت و باهاش رفت. توی دفتر قضایی نامه اش را پس داد و گفت: آقا من این رو می خوام ببرم. گفتند: این به درد شما نمی خوره آقای برونسی. گفت: شما چه کار دارین؟ من می خوام ببرم. آوردش گردان. مثل او، چند تا نیروی دیگر هم داشتیم. همه شان جوان بودند و از آن اخراجی ها. از همان اول جذب حاجی می شدند. حاجی هم حسابی روی فکر و روحشان کار می کرد، جوری که همه، دل بخواهی می رفتند توی گروهان ویژه، یعنی گروهان آر پی جی زن ها. همیشه سخت ترین قسمت عملیات با گروهان ویژه بود. مدتی بعد، همان دادیرقال شد فرمانده گروهان ویژه، و مدتی بعد هم اسمش رفت تو لیست شهدا. یک روز به خاطر دارم حاجی به فرمانده قبلی دادیرقال می گفت: شما این جوون ها رو نمی شناسین، یک بار نمازش رو نمی خونه، کمی محلی می کنه، یا یه کمی شوخی می کنه، سریع اخراجش می کنین؛ این ها رو باید با زبون بیارین تو راه، اگه قرار باشه کسی برای ما کار بکنه، همین جوون ها هستن.

[سعید عاکف، خاک های نرم کوشک، چاپ دویست و یازدهم، ص ۸۲ و ۸۳]

سوال ملاک تمییز موسیقی حلال از حرام چیست؟ و آیا موسیقی کلاسیک حلال است؟ بسیار مناسب است که معیار آن را بیان فرمایید.

جواب هر موسیقی که به نظر عرف موسیقی لہوی مضل عن سبیل اللہ که مناسب با مجالس عیش و نوش است باشد، موسیقی حرام محسوب می‌شود و فرقی نمی‌کند که موسیقی کلاسیک باشد یا غیر کلاسیک. تشخیص موضوع هم موکول به نظر عرفی مکلف است و اگر موسیقی این گونه نباشد بخودی خود اشکال ندارد.

(استفتائات مقام معظم رهبری امام خامنه ای در سایت معظم له به آدرس: leader.ir)